

بررسی دیدگاه‌های تفسیری مفسران

درباره آیات تکلم حضرت عیسیٰ در مهد

* محمدهادی منصوری

** حمیده شورگشتی

چکیده

سخن گفتن در مهد و کهل، یکی از زوایای مختلف زندگانی حضرت عیسیٰ است که قرآن کریم در آیاتی بدان پرداخته است. کیفیت سنجی سخن گفتن در مهد، عده‌ترین محور اختلاف نظر مفسران است. به نظر مشهور تکلم عیسیٰ مربوط به دوران شیرخوارگی و معجزه الهی رافع اتهام ناپاکی مریم قدیسه و اثبات کننده نبوت عیسیٰ است؛ اما برخی به دلیل عدم تصريح قرآن کریم به تکلم عیسیٰ در شیرخوارگی، آن را مربوط به دو یا سه‌سالگی دانسته و معتقدند گرچه طفل در این سن به طور عادی می‌تواند تکلم کند؛ اما تکلم عاقلانه و وزین عیسیٰ در پاسخ به شباهه ناپاکی مادر در سنی که کودک هیچ فهمی از آن ندارد، باعث شد مخاطبان آن را نشانه‌های از نشانه‌های الهی بدانند. نوشته پیش رو ضمن ارائه خاستگاه بحث، این دیدگاه را به بوته نقد کشانده و باورمند است چنین تفسیری به دلیل ناسازگاری با دلیل عقلی و حکمت تکلم در مهد، و نیز ناهمانگی با سیاق آیات و داده‌های روایی، قابل پذیرش نیست.

واژگان کلیدی

آیات تکلم عیسیٰ، رفع تهمت ناپاکی، مهد و کهل.

mansouri@maaref.ac.ir

*. استادیار گروه معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول).

shoorgeshte.quran@gmail.com

**. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه تهران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۸/۳

طرح مسئله

حضرت عیسیٰ از پیامبران اولوالعزمی است که آیات متعددی از قرآن کریم درباره ایشان نازل شده است. آن حضرت برای هدایت مردم افرون بر کتاب آسمانی انجیل، دارای معجزاتی نظیر زنده کردن مردگان، شفای نابینایان و مبتلایان به پیسی و ... بوده‌اند که در قرآن کریم به آنها اشاره شده است.

سه آیه از آیات قرآن به تکلم ایشان در مهد اشاره دارد:

وَبِكَلْمَةِ النَّاسِ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ. (آل عمران / ۴۶)

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ يَعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَى وَالْدِيَّكَ إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُّسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا. (مائده / ۱۱۰)

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ تُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا. (مریم / ۲۹)

از جمله مباحث تفسیری که مفسران در تبیین آن تلاش نموده‌اند کیفیت‌سنجه سخن گفتن عیسیٰ است. با درنگریستن در آثار ایشان می‌توان اذعان داشت در این‌باره نگرش یکسانی وجود ندارد. بیشتر صاحب نظران، بر معجزه بودن تکلم عیسیٰ در گهواره تأکید دارند. (سورآبادی، ۱۳۸۰؛ ۱۴۱۹؛ ۱۴۲۴؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۲؛ کرمی حویزی، ۱۴۰۶؛ طباطبائی، ۱۴۱۷؛ ۱۹۵؛ ۳/۱۴۱۸؛ ۲/۳۱۹؛ قرشی، ۱۳۷۱؛ ۲/۷۸) و یکسانی کیفیت سخن گفتن عیسیٰ در مهد و در زمان کهولت را معجزه دانسته‌اند. (طنطاوی، بی‌تا: ۲/۱۰۸)

برخلاف دیدگاه مشهور، برخی به این دلیل که قرآن کریم تصريحی بر تکلم عیسیٰ در دوران شیرخوارگی ندارد و این ماجرا در روزهای نخست حیاتش اتفاق نیفتاده است، منکر دلالت آیه بر معجزه بودن تکلم در شیرخوارگی است و زمان تکلم را مربوط به دوران بعد از شیرخوارگی دانسته و کیفیت پاسخگویی عیسیٰ به شبهه ناپاکی مادر را آیه‌ای از آیات الهی برشمرده است.

از آنجایی که این دیدگاه تا کنون در بوته نقد قرار نگرفته است، نوشتار پیش‌رو با هدف تبیین دقیق آیات مربوطه، به بررسی دیدگاه مذکور می‌پردازد تا این رهگذر در کشف مراد جدی الهی از آیات تکلم عیسیٰ در مهد، گامی بردارد و نقدي علمی تقديم اهل فن نماید. ناگفته نماند طرح این مسئله، بر حقیقی بودن دلالت مهد بر معنای مذکور مبتنی است، چنان‌که این مهم از برخی تفاسیر عرفانی نیز دانسته می‌شود. (بروسوی، بی‌تا: ۲/۳۶؛ ابن‌عجیبه، ۱۴۱۹؛ ۱/۳۵۴؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴؛ ۳/۷۹)

واژه‌شناسی

برخی اختلاف دیدگاه‌های مفسران ریشه در معناشناصی واژگان «تکلم» و «مهد» دارد. از این‌رو برای دستیابی به نظرگاه دقیق‌تر، بایسته است واژگان مربوطه تبیین شود.

یک. تکلم

این واژه از ریشه «ک.ل.م» است. مشتقات این ریشه ۷۵ مرتبه در قرآن به صورت اسم، اسم مصدر و فعل ثلائی مزید از دو باب تفعّل و تفعیل آمده است.^۱

ثلائی مجرد «ک.ل.م» به معنای زخم (فراهیدی، ۱۴۱۰ / ۵: ۳۷۸؛ ازهري، ۱۴۲۱ / ۱۰: ۱۴۷) به کار می‌رود. کلام (به کسر کاف) به معنای جراحت‌ها و کلام (به ضم کاف) به معنای زمین سخت است. (ازدی، ۱۳۸۷ / ۳: ۱۱۲۳) کلام (به فتح کاف) اسم مصدر از «کَلْمٌ يَكُلُّمُ تَكْلِيمٌ» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۴۲) به معنای سخن گفتن و جراحت وارد کردن است. (ازهري، ۱۴۲۱ / ۱۰: ۱۴۷) راغب اصفهانی در تبیین ارتباط دو معنای اصلی این ماده می‌نویسد: «الكلم: التأثير المدرك بإحدى الحالتين، فالكلام: مدرك بجحالة السمع، والكلم: بجحالة البصر، و كَلْمَةُ: جراحته جراحة بَانَ تَأثِيرُهَا». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۲۲) براساس نظر لغتشناسان^۲ کلام الفاظی است که معنا و مفهوم از آنها برداشت شود. (مصطفوی، ۱۴۱۶: ۱۰ / ۱۰۶)

دو. مهد

این واژه از ریشه «م.د.م» و با مشتقاش ۱۶ مرتبه در قرآن^۳ آمده است. واژه «المهد» که مرتبط به داستان حضرت عیسیٰ^{علیه السلام} است سه بار در قرآن به کار رفته است. (آل عمران / ۴۶؛ مائدہ / ۱۱۰؛ مریم / ۲۹) این کلمه مصدر به معنای مفعول؛ یعنی «آماده شده» است. گهواره را از آن‌رو مهد گویند که برای بچه آماده شده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ / ۴: ۳۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۸۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ / ۳: ۴۱۱؛ طریحی، ۱۳۷۵ / ۳: ۱۴۷؛ قرشی، ۱۳۷۷ / ۶: ۳۰۰)

۱. مشتقات ریشه «ک.ل.م» در ۳۳ سوره قرآن و در ۷۱ آیه در قالب اسم مانند «کلمات» (بقره / ۳۷)، اسم مصدر نظیر: «کلام» (بقره / ۷۳)، فعل باب تفعّل مانند: «أَن تَكَلَّمَ» (نور / ۱۶) و فعل باب تفعیل همچون: «لَا يُكَلِّمَنَا» (بقره / ۱۱۸) و ... به کار رفته است.

۲. فیومی در تعریف کلام می‌نویسد: «الكلامُ فِي أَصْلِ الْلُّغَةِ عِبَارَةٌ عَنْ أَصْوَاتٍ مُّتَتَابِعَةٍ لِعَنْيٍ مَفْهُومٍ وَ فِي اصطلاح النَّحَاةِ هُوَ اسْمُ لِمَا تَرَكَّبَ مِنْ مُسْتَدِّ وَ مُسْتَدِّ إِلَيْهِ». (فیومی، ۱۴۱۴ / ۲: ۵۳۹)

۳. به هشت صورت: «المهد، مهدًا، المهدُ، المهدُ، الماهِدُونَ، تَمْهِيدًا، يَمْهَدُونَ، مَهَدَتُ».

تفسران هماهنگ با ارباب لغت، در معنای «مهد» اختلافی ندارند و معنای آن را حقیقی دانسته‌اند. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۷ / ۲: ۷۴۹؛ ۸: ۱۴۲۰؛ ۲۲۴: سیوطی، ۱۴۰۴ / ۲: ۲۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ / ۲: ۱۵۷؛ ابن عاشور، بی‌تا: ۳ / ۲۹ و ۱۹۵؛ ج ۳: ۱۹۵؛ بروسوی، بی‌تا: ۲ / ۳۶؛ ابن عجیبه، ۱۴۱۹ / ۱: ۳۵۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ / ۲: ۵۴۹؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ / ۳: ۷۹)

سه. کهل

واژه «کهلاً» دو بار در قرآن و تنها به همین صورت آمده است. این واژه در آیات ۴۶ سوره آل عمران و ۱۰ سوره مائدہ تکرار شده است. «کهلا» در کتاب‌های لغت به گندمی شدن موی سیاه سر معنا شده است. (فراهیدی، ۱۴۰۹ / ۳: ۳۷۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ / ۷۲۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ / ۱۱: ۶۰۰) طریحی معتقد است: بین ۳۰ تا ۴۰ سالگی، در حال کهولت به رسالت و وحی با آنها سخن گفت.

(طریحی، ۱۳۷۵ / ۵: ۴۶۷)

برخی «کهل» را مقابل طفل در گهواره دانسته و آن را «رسیدن به قوت از لحاظ بدنی و فکری» معنا کرده‌اند. این معنا زمانی است که به حدود سی سالگی برسد. (مصطفوی، ۱۴۱۶ / ۱۰: ۱۲۵) از برخی تفاسیر نیز دانسته می‌شود مراد از کهل، میزان سنی است که عیسیٰ در یاری‌رسانی امام زمان ﷺ و قتال با دجال دara خواهد بود. (رازی، ۱۴۲۰ / ۸: ۲۲۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ / ۲: ۲۵؛ بروسوی، بی‌تا: ۲ / ۳۵)

تبیین دیدگاه‌ها

در اینکه عیسیٰ هنگام تکلم در مهد، چه سنی داشته است دو دیدگاه وجود دارد:

الف) دیدگاه مشهور مفسران: سخن گفتن عیسیٰ در مهد در دوران شیرخوارگی؛

ب) دیدگاه غیر مشهور: سخن گفتن عیسیٰ بعد از دوران شیرخوارگی (دو یا سه ساله).

دیدگاه غیر مشهور را آیت‌الله معرفت در جلد هفتم کتاب التمهید با عنوان «شبهات و ردود»، بیان نموده است. در باب یکم آن، ذیل عنوان «هل للقرآن من مصادر؟» در راستای پاسخگویی به این مسئله که آیا قرآن جز وحی منبع دیگری دارد یا خیر، به سرچشمه واحد آیین‌های ابراهیمی و واحد خاستگاه مشترک بودن آنها اشاره می‌کند و به بیان تفاوت‌های محتوایی بین قرآن و عهده‌ین در جهت اثبات عدم الگوگری قرآن از آنها می‌پردازد؛ یعنی هر چند شباهت‌هایی بین این کتاب‌ها وجود دارد، اما قرآن افزون بر اینکه به مسائلی فراتر از آنها اشاره کرده حتی در موضوعات یکسان مطرح شده در قرآن و کتاب‌های مقدس، اختلافاتی جدی به چشم می‌خورد که شباهه متأثر بودن قرآن از عهده‌ین را رد می‌کند.

ازین رو ذیل عنوان «القرآن و الأنجليل» به تبیین دقیق اشتراک‌ها و افتراق‌های قرآن و نسخه‌های چندگانه انجیل در بیان داستان مریم مقدس و عیسیٰ می‌پردازد که یکی از آن وجود مشترک، تکلم حضرت عیسیٰ در مهد و کهل است. صاحب *التمهید* با استناد به کلام فخر رازی می‌نویسد: «أن النصاري أنكروا كلام المسيح في المهد بحجة أنه لم يثبت عندهم و كانوا هم أولي بنقله لو كان ...». (معرفت، ۱۳۸۶: ۷ / ۱۰۵) سپس بدون اشاره به پاسخ فخر رازی در رد انکار نصارا، وثاقت انجیل را به دلیل تحریف، خلط و تبدیل و وجود اختلاف‌های بسیار بین آنها، زیر سؤال می‌برد و عدم حفظ معجزات سی و سه گانه حضرت مسیح در انجیل و اکتفا کردن به بیان یک معجزه در سه انجیل متی، مرقس و لوقا و بسنده کردن به ذکر هفت معجزه در انجیل یوحننا را از نواقص منابع مسیحیت بر می‌شمارد. از موارد ضعف منابع مسیحیت این است که «لوقا» تکلم در مهد را به جای حضرت عیسیٰ به حضرت یحییٰ اسناد می‌دهد و سایر انجیل درباره این موضوع ساكت است. (معرفت، ۱۳۸۶: ۷ / ۱۱۰) صاحب *التمهید فی علوم القرآن*، این خلط را سهو نویسنده (لوقا) و عمدی بودن آن را نیز محتمل می‌داند. (معرفت، ۱۳۸۶: ۷ / ۱۰۷) ایشان سپس با بیان عدم تصريح قرآن کریم به سن حضرت عیسیٰ هنگام سخن گفتن در گهواره، دیدگاه غیر مشهور درباره کیفیت تکلم عیسیٰ در مهد را مطرح می‌نماید. (معرفت، ۱۳۸۶: ۷ / ۱۰۷) استاد معرفت عبارت «في المهد و كهلا» را به معنای سینین خردی تا نهایت پیری می‌داند و معتقد است گهواره نیز کنایه از حال کودک در دوره نوپایی و سیست اندامی اوست که در بستر ناز و تنعم می‌آساید. (معرفت، ۱۳۸۶: ۷ / ۱۰۸) بنابراین از متن آیه تکلم در نوزادی برداشت نمی‌شود و تنها چیزی که از آن برمی‌آید سخن گفتن حضرت در سینین کودکی است که امری طبیعی است. اما این نکته که خدا بر ایشان منت نهاده و او را با روح القدس تأیید کرده بود و او را خردی کامل بخشیده بود که از طفلی تا بزرگی با مردم خردمندانه سخن می‌گفت قابل انکار نیست. همچنین به عنوان شاهد بر نظر خویش، به مناظره حضرت عیسیٰ با دانشمندان در شهر اورشلیم، در سن ۱۲ سالگی اشاره می‌کنند که اعجاب همگان را برانگیخت. ایشان پس از نقل این داستان می‌نویسد: شاید منظور از سخن گفتن حضرت عیسیٰ در گهواره همین باشد. (معرفت، ۱۳۸۶: ۷ / ۱۱۱)

آیت الله معرفت براساس آیات ۱۶ تا ۳۰ مریم و آیه ۵۰ مؤمنون معتقد است حضرت مریم وقتی پس از تولد مسیح به میان قوم خود بازگشت که فرزندش دوران شیرخوارگی را گذرانده و از تولد او چند سال گذشته بود و طبعاً کودک دو یا سه ساله می‌تواند سخن گوید و این امر عجیب و خارق العاده‌ای نیست. (معرفت، ۱۳۸۶: ۷ / ۱۱۰)

از نظر صاحب *التمهید* آنچه برای یهودیان عجیب و غریب بود تکلم حضرت عیسی در حال رضاع نبود؛ بلکه تولد او بدون پدر برایشان غریب بود. اما هنگامی که با کلام حضرت عیسای دویا سه ساله مواجه شدند، از جنس کلام ایشان (فخیم بودن کلام، عاقلانه بودن آن و ...) فهمیدند که این نشانه‌ای از نشانه‌های الهی است. (معرفت، ۱۳۸۶: ۷ / ۱۱۰)

نقد دیدگاه غیرمشهور

دیدگاه غیرمشهور به چهار دلیل ذیل پذیرفته نیست:

یک. دست برداشتن از معنای حقیقی «المهد»

دیدگاه غیرمشهور با انکا به روایت طبری در *جامع البيان* مبتئی بر کنایی دانستن معنای «المهد» است. بر این پایه منظور از مهد و کهل در آیه، سنین خردی تا نهایت پیری است. (معرفت، ۱۳۸۹: ۷ / ۱۰۸) همان‌طور که گذشت واژه مهد به معنای جایگاهی است که برای کودک آماده می‌کنند (اعمّ از آغوش مادر یا گهواره) (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴ / ۳۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۸۰؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۳ / ۴۱؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۱۴۷؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۶ / ۳۰۰) این معنا برای واژه «المهد» معنای حقیقی است و دلیلی برای دست برداشتن از این مفهوم و انصراف آن به معنای مجازی وجود ندارد. (بروسوی، بی‌تا: ۲ / ۳۵؛ ابن‌عجیبه، ۱۴۱۹: ۱ / ۱۴۵۴؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۳ / ۷۹) زیرا مجاز خلاف اصل است (حلی، ۱۴۰۶: ۸۰) و اگر قرینه‌ای بر اراده معنای مجازی یا تخصیص واژه بر جزئی از معنا وجود نداشته باشد، باید به معنای حقیقی کلمه تمسّک کرد و از آن عدول ننمود. در آیه شریفه هیچ‌گونه قرینه صارفه یا مانعه‌ای وجود ندارد که بر انصراف معنایی این لفظ از معنای حقیقی خود به معنای مجازی دلالت نماید. بنابراین نوزاد بودن حضرت عیسی عليه السلام و اعجاز سخن گفتن حضرت در گهواره تقویت می‌شود.

حتی بر فرض اینکه واژه مهد را تنها به معنای آغوش مادر بدانیم نه به معنای گهواره طفل شیرخوار، باز هم نمی‌توان از اعجاز تکلم عیسی عليه السلام دست برداشت. چنان که فخر رازی در تأیید نظر خود مبنی بر معجزه بودن تکلم در مهد با استناد به معنای لغوی مهد می‌نویسد:

في المهد قولان أحدهما: أنه حجر أمه والثاني: هو هذا الشيء المعروف الذي هو مضجع الصبي وقت الرضاع، وكيف كان المراد منه: فإنه يكلم الناس في الحالة التي يحتاج الصبي فيها إلى المهد، ولا يختلف هذا المقصود سواء كان في حجر أمه أو كان في المهد ... أن تكلمه حال كونه في المهد من المعجزات. (رازي، ۱۴۲۰: ۸ / ۲۲۴)

دو. ناسازگاری با اهداف سخن گفتن عیسیٰ در مهد

در آیه ۲۶ سوره مریم چنین آمده است: «إِنَّمَا تَرَىٰ أَهَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنَ صَوْمًا فَنَّ أَكْلَمَ الْيَوْمَ إِلَيْيَا» از این آیه چنین دانسته می‌شود که مریم مأمور به روزه سکوت شد و باید پاسخ اتهام زندگان را کسی بدهد که «کان فی المهد صبیا». حال سؤال اینجاست براساس دیدگاه غیرمشهور اگر سخن گفتن عیسیٰ در سن دو یا سه سالگی بوده باشد، چگونه در اسکات خصم کارآمد است و برای رفع اتهام از مریم قدیسه چه حجتی دارد؟!

بنابر آنچه در التمهید آمده، پاسخ سؤال این است که تکلم عیسیٰ در آن وزانت و قوت عقلانی با وجود دو یا سه سال داشتن، بر همگان ثابت کرد که فرزندار شدن مریم بدون همسر آیتی از آیات الهی است و اینگونه رفع تهمت شد. (معرفت، ۱۳۸۶ / ۷ : ۱۱۰)

اما این سخن قابل خدشه است؛ زیرا تکلم یک طفل دو یا سه ساله با احساسات و عواطفی که نسبت به مادر خویش دارد، متهم به تعییمی بودن است؛ به این معنا که ممکن است مریم به عیسای دو سه ساله، آموزش داده باشد که در مواجهه با یهود اینها را بگو و او نیز طوطیوار در دفاع از مادر تکلم نموده باشد. (همانطور که در عصر حاضر برخی از کودکان تیزهوش، با حفظ کردن متن‌های فخیم، خطابهایی شکفتانگیز ارائه می‌دهند و حتی با اصواتی دلنشیں تعجب همگان را بر می‌انگیزانند!) از این رو نمی‌تواند چنین تکلمی را رافع تهمت ناپاکی دامن مریم و آیتی از آیات الهی دانست. تکلمی می‌تواند حجت را تمام کند که هیچ منشایی جز خرق عادت و اعتراض برای آن نتوان تصور نمود و گرنه همان ذهن‌های بیماری که تهمت زنا به مریم قدیسه زندن، در نپذیرفتن تکلم عیسیٰ نیز کوتاهی نمی‌کردد!

بنابراین دیدگاه غیرمشهور قابل خدشه است؛ زیرا با توجه به اینکه اشاره مریم به عیسیٰ به مأموریت الهی و حکیمانه بوده است، تکلم عیسیٰ در دو یا سه سالگی در رد شبیه ناکارآمد است و با حکیمانه بودن اشاره مریم به عیسیٰ ناسازگار است؛ زیرا احتمال طوطیوار بودن سخن گفتن و ... مطرح می‌شود.

عقل حکم می‌کند تکلم عیسیٰ در مهد امری حکیمانه باشد. چنان‌که مفسران در تبیین کارآمدی چنین سخن‌گفتی، یکی از دو اثر زیر یا هر دو را برای اعتراض تکلم عیسیٰ در مهد بیان کرده‌اند:

۱. رفع اتهام ناپاکی مریم

بزرگان یهود در پی آن بودند تا مریم را به گناه ناپاکی دامن متهم سازند. از این‌رو هنگامی که با مریم و فرزندش مواجه شدند همگان دهان به ملامت گشودند و گفتند: «یا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا * يَا

أَخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرًا سَوءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيًّا؛ (مریم: ۲۸ - ۲۷) ای (همانند) خواهر هارون (در پاکی)، پدرت مرد بدی نبود، و مادرت زن تجاوزکار (و الوده) نبود! ازین رو طبق نظر مفسران آیات دال بر تکلم حضرت مسیح در مهد دلیلی بر رفع اتهام زنا از مریم است. (طوسی، بی‌تا: ۲ / ۴۶۳؛ رازی، ۵۰ / ۱: ۱۴۲۰؛ حجازی، ۲۲۴ / ۸: ۱۴۱۳؛ جرجانی، ۱۳۷۷ / ۲: ۴۷؛ مظہری، ۱۴۱۲ / ۲: قسم ۱ / ۵۰)

شیخ طوسی معتقد است:

وجه کلامه في المهد تبرئة لأمه مما قدفت به و جلاله له بالمعجزة التي ظهرت فيه. (طوسی،
بی‌تا: ۲ / ۴۶۳)

فخر رازی در تبیین چرایی ذکر کهل در آیه، یکی از وجوده اعجاز بودن سخن در گهواره را رفع اتهام از حضرت مریم و اثبات طهارت ایشان دانسته و می‌نویسد: «المراد منه أن يكلم الناس مرة واحدة في المهد لإظهار طهارة أمه». (رازی، ۱۴۲۰ / ۸: ۲۲۴)

۲. اثبات نبوت عیسی ﷺ

برخی مفسران سخن گفتن در مهد را دلیلی برای اثبات نبوت حضرت عیسی ﷺ دانسته‌اند. ابن عاشور با خارق عادت دانستن تکلم عیسی ﷺ می‌نویسد: «فَأَمَا تَكْلِيمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ فَلَا نَهُ
خَارِقٌ عَادَةٌ إِرْهَاصًا لِنَبْوَتِهِ». (ابن عاشور، بی‌تا: ۳ / ۹۸)
ابن‌ابی‌حاتم این مسئله را با آوردن روایتی چنین ذکر می‌کند:

حدثنا محمد بن يحيى، أنساً أبو غسان، ثنا سلمة، قال محمد بن إسحاق و يُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ
وَ كَهْلًا وَ مِنَ الصَّالِحِينَ يخبرهم بحالاته التي يتقلب فيها عمره كتقلببني في آدم أعمارهم
صغاراً أو كباراً، لأنَّ الله تعالى جده خصه بالكلام في مهده، آية لبوته، و تعرضا للعباد موقع
قدرتة. (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹ / ۲: ۶۵۲)

صاحب تفسیر الفرقان ذیل این آیه، تکلم در گهواره را بشارتی بسترساز برای رسالت عیسی ﷺ در بزرگسالی می‌داند. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ / ۵: ۱۴۲)

برخی مفسران بر این باورند که تکلم حضرت مسیح ﷺ در مهد هر دو اثر را داشته است. از سویی اتهام فحشا را از مریم قدیسه ﷺ دور می‌نماید و از دیگر سو معجزه‌ای برای اثبات نبوت حضرت عیسی ﷺ است. (ابن‌جوزی، ۱۴۲۲ / ۱: ۲۸۳؛ مراجعی، بی‌تا: ۳ / ۱۵۵؛ کرمی حویزی، ۱۴۰۲ / ۲: ۴۷؛ نقی تهرانی، ۱۳۹۸ / ۱: ۴۱۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ / ۲: ۵۵۰)

علامه طباطبائی ذیل آیه «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ أَتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا» (مریم / ۳۰) که شروع تکلم عیسیٰ در مهد است، چرا بی اشاره نکردن حضرت به نحوه ولادتش را بدان جهت می‌داند که سخن گفتن کودک مولود، معجزه‌ای است که هر چه بگوید جای تردیدی در حق بودنش نمی‌گذارد، بهخصوص با در نظر گرفتن اینکه در آخر گفتارش بر خود سلام کرد و از پاکی تولدش خبر داد. همچنین نبوت خویش و نزول کتاب آسمانی را اعلام فرمود. (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۴ / ۴۷)

آیت الله جوادی آملی نیز در این زمینه معتقد است:

قرآن کریم، نوع کراماتِ یادشده در این آیات را به عیسیٰ استناد می‌دهد، پس تکلم نیز معجزه مسیح است؛ یعنی از آیه «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ أَتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا» چنین استفاده می‌شود که پیامبری حضرت عیسیٰ از همان آغاز بوده است چنان‌که روایتی از امام باقر^ع بر آن دلالت دارد و نه در سن بزرگی و این سخن گفتن او، هم معجزه‌ای است برای اثبات نبوت آن حضرت و هم دلالت دارد که من پاکم و از دامنی پاک زاده شدم، و گرنه به این مقام و شایستگی دست نمی‌یافتم، چنان‌که دلیلی بر طهارت دامن حضرت مریم^ع نیز اقامه نمی‌شد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۴ / ۲۹۷)

براساس تفسیر مذکور می‌توان دانست پیامبری عیسیٰ از همان زمان تکلم در مهد بوده؛ زیرا قرآن این کرامات را به خود حضرت نسبت داده است.

صاحب تفسیر کاشف معتقد است عیسیٰ با اعجاز الهی تنها به همان مقدار که قرآن فرموده در مهد تکلم داشته است و کارآمدی این تکلم کوتاه، مبرا ساختن مریم قدیسه از تهمت‌های یهود است. بنابراین بر طهارت مریم دلالت دارد. (معنیه، ۱۴۴۶: ۲ / ۶۳)

نکته جالب توجه اینکه قرآن کریم در آیاتی (انبیاء / ۹۱؛ مؤمنون / ۵۰) حضرت عیسیٰ و مریم^ع را با هم معجزه الهی دانسته است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۷۴۹)

در تفسیر تنسیم آمده است:

قرآن کریم عیسیٰ و مریم^ع را با هم یک معجزه می‌داند: «وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آئِهً لِلْعَالَمِينَ»؛ «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرِيمَ وَأَمَّهُ آئِهً»، ازین‌رو شاید بتوان معجزه تکلم مسیح^ع را هم به مادر نسبت داد و هم به فرزند؛ یعنی این کودک گرچه به اذن خدا لب به سخن گشود، اشاره مادر را نیز می‌طلبید و بدون اشاره مادر، سخنی نمی‌گفت و سر دخالت مادر نیز آن است که اتهامات ناروایی را به آن حضرت نسبت دادند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۴ / ۲۹۷)

سه. اثبات ناپذیری دیدگاه غیرمشهور از طریق آیات قرآن
با توجه به سیاق آیات مربوط به تکلم در مهد ناسازگاری دیدگاه غیرمشهور به شرح ذیل است:

۱. تأیید نشدن دیدگاه غیرمشهور با آیات ۱۶ تا ۳۰ سوره مریم

صاحب **التمهید** بر این باور است زمانی که مریم ﷺ با فرزندش به سوی قوم بازگشت، از سن شیرخوارگی عیسیٰ ﷺ گذشته بود؛ زیرا با استناد به ظاهر آیات ۱۶ تا ۳۰ سوره مریم، حضرت مریم برای عبادت جایی را دور از منازل بستگانش اختیار کرده بود و حاملگی و وضع حمل و ... همه در مکانی دور اتفاق افتاد و این دوری بیش از دو یا سه سال طول نکشیده است.

اما باید دانست آیات مذکور، این دیدگاه را تأیید نمی‌کند؛ زیرا از آیه «فَحَمَّلَهُ فَاثْبَتَهُ بِمَكَانًا قَصِيًّا» (مریم / ۲۲) تنها دانسته می‌شود که حضرت مریم به مکان دوری از بیت المقدس رفته است ولی میزان دوری مکان و تعداد روزهایی که در آنجا بوده است، از آیه فهمیده نمی‌شود و در اینکه مکان قصی کجاست؟ و طول مدت حاملگی چقدر بوده است؟ بین مفسران اختلاف وجود دارد.
نکته شایان ذکر اینکه درباره ندادهندۀ در آیه «فَنَادَاهَا مِنْ تَهْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي ...» (مریم: ۲۴) دو احتمال بیشتر وجود ندارد:^۱ (الف) عیسیٰ ﷺ ندادهندۀ است؛ ب) فاعل و منادی، جبرئیل یا روح است.
در این میان، احتمال نخست به دلایل ذیل با سیاق سازگارتر است:

یک. آرامش‌بخشی به مریم مقدس ﷺ؛ چنان‌که در تفسیر کبیر می‌خوانیم:

أنه تعالى أنطقه لها حين وضعته تطبيعاً لقلبها وإزالة للوحشة عنها حتى تشاهد في أول الأمر ما بشرها به جبريل ﷺ من علو شأن ذلك الولد. (رازي، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۵۲۷)

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌نویسند:

ظاهر سیاق می‌رساند که ضمیر فاعل در جمله «ناداهَا» به عیسیٰ ﷺ برگردد و بعيد نیست که از ترتیب جمله «فَنَادَاهَا» بر جمله «قَالَتْ يَا لَيْتَنِي ...» استفاده شود که مریم این جمله را در حين وضع حمل یا بعد از آن بیان داشته و بلافصله عیسیٰ ﷺ فرموده «أَلَّا تَحْزَنِي ...». از این‌رو جمله «أَلَّا تَحْزَنِي» تسلیت و دلداری عیسیٰ ﷺ به مادر است به خاطر آن اندوه و غم شدیدی که به وی دست داده بود، آری برای زنی عابد و زاهد هیچ مصیبتی تلختر و سخت‌تر از این نیست که به تهمت ناموسی زده شود و آبرویش به خطر افتاد، آن هم زنی باکره از تباری معروف به عفت و پاکی!

۱. براساس قرائت حفص از عاصم.

برهمین اساس عیسیٰ به اشاره سفارش کرد که با احدي حرف نزن و در مقام دفاع بر میا، بلکه خود عیسیٰ از مادرش دفاع نمود و این حجتی بود که هیچ کس را توان انکار آن نبود. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴ / ۴۲)

دو. آگاهی‌بخشی به مریم قدیسه و نشان دادن راهکار دفاع؛ به این معنا که سخن گفتن حضرت عیسیٰ در همان زمان وضع حمل، نشان از آن است که خدا اراده کرده بود معجزه‌اش را قبل از آنکه در حضور همگان انجام شود به مادرش نشان دهد تا بداند عیسیٰ به اعجاز الهی قادر به تکلم است. چنان که فخر رازی از امام حسن مجتبیٰ نقل می‌کند:

أن عيسىٰ لو لم يكن كلامها لَمَّا عَلِمَتْ أَنَّهُ يُنطَقُ فَمَا كَانَ تَشِيرُ إِلَى عِيسَىٰ بِالْكَلَامِ.
(رازی، ۱۴۲۰: ۲۱ / ۵۲۷)

بنابر آنچه بیان شد مبنی بر عدم تکلم حضرت مسیح در شیرخوارگی با تفسیر این آیه رد می‌شود؛ زیرا تکلم ایشان نه تنها در مهد بلکه در زمان تولد و قبل از آن هم وجود داشت که امری خارق عادت و اعجازین است.

علاوه بر سیاق آیه، همنشینی واژه مهد و صبی در آیه ۲۹ سوره مریم نیز می‌تواند بر اثبات اعجاز بودن تکلم عیسیٰ دلالت نماید، زیرا لفظ صبیا «مِنْ لَدُنْ يُولَدَ إِلَى أَنْ يُفْطَمُ» است؛ یعنی به نوزاد از بدو تولد تا زمانی که از شیر گرفته می‌شود (دو سالگی) اطلاق می‌گردد. (ابن‌سیده، ۱۴۲۱: ۸ / ۳۸۴؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۴ / ۷؛ مهنا، ۱۴۱۳: ۴۵۰ / ۲) در *اصحاح* آمده است: «صَبِيٌّ: الْوَلَدُ مَادَمُ رَضِيعًا». (موسی، ۱۴۱۰: ۱ / ۱۰)

از این‌رو ارباب لغت در تبیین معنای *فطم* (*الطفل*) از شیر گرفتن کودک) از واژه صبی استفاده کرده‌اند. در *تهدیب اللغو* آمده: «فَطَمُ الصَّبِيُّ فَصَلَهُ عَنْ ثَدَيِ أُمِّهِ وَ رَضَاعَهَا» (از هری، ۱۴۲۱: ۱۳ / ۲۵۴) جوهري می‌نویسد: «فِطَامُ الصَّبِيِّ: فَصَالَهُ عَنْ أُمِّهِ. يَقَالُ: فَطَمَتِ الْأُمُّ وَلَدَهَا، وَ الصَّبِيُّ فَطِيمٌ». (جوهری، ۱۳۷۶: ۵ / ۲۰۰۲)

از دیگر سو اثبات دیدگاه آیت‌الله معرفت مبتنی بر آن است که «کان» در آیه مذکور بر گذشته‌ای بعيد دلالت نماید. در حالی که اولاً با وجود اختلاف دیدگاه‌ها درباره «کان» بایسته است متناسب با سیاق آیه، معنای مناسب برگزیده شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد برخی در آیه مذکور «کان» را زائد دانسته‌اند که براساس آن اعجاز تکلم اثبات می‌شود. (حمیری، ۱۴۲۰: ۹ / ۵۹۳۱) در مقابل، بیشتر صاحب‌نظران کان را زائد ندانسته‌اند. برخی احتمال داده‌اند «من کان» معنای شرط داشته باشد و

سخن از روی تعجب است و معنای آیه این است: «مَنْ يَكُنْ فِي الْمَهْدٍ صَبِيًّاً، فَكَيْفَ يُكَلِّمُ؟». (از هری، ۱۴۲۱: ۱۰ / ۲۰۶)

راغب اصفهانی معتقد است: «کان» در آیه مورد بحث بر زمان حال دلالت ندارد اما بر زمانی نزدیک قبل از این گفتگوی مریم با یهودیان دلالت دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۳۱) شاید به نظر آید رأى آیت الله معرفت برگرفته از این نظر راغب اصفهانی باشد. اما این احتمال صحیح نیست؛ چنان که سید علی خان با استناد به سیاق آیه معتقد است که دلالت کان بر زمان گذشته نزدیک نیز اثبات می‌کند سخن گفتن عیسی ﷺ اعجازین بوده است.^۱ (مدنی، ۱۳۸۴: ۶ / ۲۷۰)

۲. ناسازگاری با سیاق آیه ۴۶ سوره آل عمران

در ادامه آیه ۴۶ سوره آل عمران، خدای سبحان از تکلم کهلا سخن می‌گوید که به عقیده غالب مفسران بر کیفیت سخن گفتن عیسی ﷺ در گهواره همانند سخن گفتنشان در بزرگسالی دلالت دارد. از آنجاکه تکلم در مهد جز از نبی خدا بر نمی‌آید، این مهم بر خارق العاده و معجزه بودن دلالت دارد. (زمخشري، ۱۴۰۷: ۳۶۴؛ کاشاني، ۱۳۳۶: ۲۲۲ / ۲؛ بروسوی، بی‌تا: ۲ / ۳۵؛ شبر، ۱۴۰۷: ۱ / ۳۶۴؛ شبر، ۱۴۱۲: ۹۰؛ مظہری، ۱۴۱۲: ۲؛ قرشی، ۱۳۷۴: ۵۴۹ / ۲؛ آلوسى، ۱۴۱۵: ۲ / ۱۵۷؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۲ / ۳۲۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷۸ / ۲؛ حجازی، ۱۴۱۳: ۱ / ۲۳۳؛ زحلی، ۱۴۱۹: ۱ / ۱۹۵؛ طنطاوی، بی‌تا: ۲ / ۱۰۸)

در تفسیر جوامع الجامع آمده است: «وَالْمَعْنَى يَكُلُّ النَّاسَ طَفْلًا وَكَهْلًا كَلَامُ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ غَيْرِ تفاوتٍ بَيْنِ الْحَالَتَيْنِ». (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱ / ۱۷۵) هر چند طبرسی در این کتاب، از لفظ طفلاً استفاده کرده است، اما این واژه را در تفسیر مجتمع البيان خود اینگونه توضیح می‌دهد:

«وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ» أي صغيراً والمهد الموضع الذي يهد لنوم الصبي و يعني بكلامه في المهد قوله إِيَّيَ عَبْدُ اللَّهِ أَتَانِي الْكِتَابُ الْآيَةُ وَجَهَ كَلَامَهُ فِي الْمَهْدِ أَنَّهُ تَبَرَّأَ لِأَمَّهُ مَا قَدَّفَ بِهِ وَجَلَّةً لِهِ بِالْمَعْجَزَةِ الَّتِي ظَهَرَتْ فِيهِ. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۷۵۰)

ساير مفسران نیز عبارت‌هایی شبیه این مطلب دارند که همگی مؤید معجزه بودن سخن حضرت مسیح در اوان ولادت و شیرخوارگی است.

۱. و هي [كان] لإيقاع مضمون الجملة في زمانٍ ماضٍ منهم ليعيده و قريبه وهي هنا لقريبه خاصةً بذلك أنه مسوقٌ للتعجب، و المعنى: كيف من كان بالأمس و قريباً من هذا الوقت في المهد، و غرّضهم من ذلك استمرارُ حالة الصبيّ به لم يبرح عنه بعد.

چهار. ناسازگاری با روایات دال بر اعجاز تکلم در مهد

نکته دیگری که با تمسک به آن، دیدگاه غیرمشهور رد می‌گردد، ناسازگاری آن با روایتی است که در **الكافی و بخار الانوار** آمده است و بر اعجازین بودن سخن گفتن حضرت عیسیٰ در مهد اشاره دارد. راوی از امام باقر^{علیه السلام} می‌پرسد که آیا سخن گفتن مسیح در مهد بر مردم زمانش، حجت بود یا خیر؟ امام در پاسخ، با تلاوت آیه «قَالَ إِلَيْيَ عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا * وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» به تکلم عیسیٰ در گهواره اشاره نموده و بیان می‌دارند سخن ایشان بر هر کس که آن را می‌شنید حجت بود. راوی در ادامه می‌پرسد آیا عیسیٰ در مهد بر زکریا حجت بود؟ حضرت در پاسخ فرمودند که ایشان در آن حال آیه و حجتی بود برای مردم و رحمتی بود از جانب خداوند بر مریم. سپس عیسیٰ به مدت دو سال سخن نگفت. در این مدت زکریا حجت خدا بر مردم بود و بعد فوت او یحییٰ که پسر کوچکی بود این سمت را از پدر به ارث برد تا اینکه عیسیٰ به سن هفت سالگی رسید که با نبوت و رسالت با مردم سخن می‌گفت. پس عیسیٰ حجت بود بر یحییٰ و بر تمام مردم. (کلینی، ۱۳۶۵ / ۱؛ ۳۸۲ / ۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ / ۲۵۵)

شایان دقت است که امام^{علیه السلام} در روایت مذکور، تأکید می‌فرمایند که حضرت مسیح^{علیه السلام} بعد از سخن گفتن در مهد و در اول تولد تا سن دو سالگی دیگر سخن نگفتند و این مسئله نشان دهنده اعجاز تکلم در بدو تولد ایشان است؛ زیرا همانطور که در بحث دلیل عقلی گذشت کودکی که به طور عادی قادر به تکلم است چگونه می‌تواند جای هیچ شک و شبهه‌ای را در دفاع از طهارت مادرش باقی نگذارد و حجت را بر همگان تمام نماید؟ پس طبق این روایت معجزه و حجت بودن سخن حضرت مسیح تقویت می‌شود و دیدگاه آیت‌الله معرفت با این قبیل روایات نیز ناسازگار است.

نکته پایانی

آیت‌الله معرفت در کتاب **التمهید** مناظره حضرت مسیح با علمای اورشلیم در ۱۲ سالگی را شاهد بر سخن خویش دانسته که عیسیٰ از سن خردسالی باهوش و عقل واfer بود و مانند یک مرد آگاه سخن می‌گفت. (معرفت، ۱۳۸۶ / ۷؛ ۱۰۸ / ۱)

شایان ذکر است، این مطلب هیچ منافاتی با معجزه بودن تکلم عیسیٰ در شیرخوارگی ندارد؛ زیرا خدای سیحان، عیسیٰ را از همان زمانی که در مهد سخن گفت نبی قرار داد و یقیناً صدور سخن حکیمانه از سوی نبی‌الله در سن ۱۲ سالگی نیز اعجاب دیگران را بر می‌انگیزند؛ اما تنها تکلم در زمانی که هیچ کودکی را یارای سخن گفتن نیست، می‌تواند رافع اتهام ناپاکی مریم^{علیها السلام} باشد و سخن گفتن حکیمانه و حیرت انگیز در دو یا سه سالگی و یا ۱۲ سالگی چنین کارآمدی را ندارد.

نتیجه

از بررسی عمدۀ تفاسیر معتبر شیعه و سنی و دلایل مفسّران درباره سخن گفتن حضرت عیسی در مهد می‌توان دانست نظر غیرمشهور که زمان سخن گفتن عیسی ﷺ در مهد را دو یا سه سالگی دانسته با دلیل عقلی و نقلی ناسازگار است؛ زیرا به حکم عقل، سخن گفتن طفل دو یا سه ساله یک امر عادی است و با تمرین می‌تواند مطالبی را طوطی وار بیان کند که در این صورت برای اسکات خصم و رفع اتهام از مریم قدیسه ناکارآمد خواهد بود. همچنین سیاق آیه ۴۶ سوره آل عمران و سیاق آیات سوره مریم و روایات مربوطه، دیدگاه مذکور را رد می‌کند. آنچه درست به نظر می‌رسد دیدگاه مشهور است که براساس آن سخن گفتن عیسای نوزاد درگهواره معجزه است و دو کارآمدی مهم دارد: یکی رفع اتهام ناپاکی از حضرت مریم و دیگری اثبات نبوت عیسی ﷺ.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الكتب العلمية.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ق، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، مکتبة نزار مصطفی الباز، چ ۳.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲ق، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دار الكتاب العربي.
- ابن عاشور، محمد طاهر، بی تا، التحریر و التنویر، بی جا، بی نا.
- ابن عجیه، احمد بن محمد، ۱۴۱۹ق، البحر المدید فی تفسیر القرآن العظیم، قاهره، حسن عباس زکی.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ق، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الكتب العلمية.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چ ۳.
- ازدی، عبدالله بن محمد، ۱۳۸۷، کتاب الماء، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- ازهri، محمد بن احمد، ۱۴۲۱ق، تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
- بروسوی، اسماعیل، بی تا، تفسیر روح البیان، بیروت، دار الفکر.
- ثقفی تهرانی، محمد، ۱۳۹۸ق، تفسیر روان جاوید، تهران، برهان، چ ۳.

- جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن، ۱۳۷۷، *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء، چ. ۲.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶ ق، *الصحاح*، بیروت، دار العلم للملايين.
- حجازی، محمد محمود، ۱۴۱۳ ق، *التفسیر الواضح*، بیروت، دار الجیل الجدید، چ. ۱۰.
- حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۴۲۴ ق، *تفہیم القرآن إلى الأذهان*، بیروت، دار العلوم.
- حسینی همدانی، سید محمدحسین، ۱۴۰۴ ق، *انوار درخشنان*، تحقیق محمدباقر بهبودی، تهران، کتابفروشی لطفی.
- حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۰۶ ق، *مبادی الوصول إلى علم الأصول*، بیروت، دار الأضواء.
- حمیری، نشوان بن سعید، ۱۴۲۰ ق، *شمس العلوم*، دمشق، دار الفکر.
- حوزی، عبدالعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر سور الثقلین*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفایح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ. ۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دار العلم.
- زحلی، وهبة بن مصطفی، ۱۴۱۸ ق، *التفسیر المنیر فی العقيدة والشريعة والمنهج*، بیروت، دار الفکر المعاصر، چ. ۲.
- زمخشیری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غواصین التنزيل و عيون الأقاويل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الكتاب العربی، چ. ۳.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، ۱۳۸۰، *تفسیر سور آبادی*، تهران، فرهنگ نشر نو.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المنشور فی التفسیر بالمانور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شبر، سید عبد الله، ۱۴۱۲ ق، *تفسیر القرآن الکریم*، بیروت، دار البلاغة.
- شبر، سید عبدالله، ۱۴۰۷ ق، *الجوهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبين*، کویت، مکتبة الأنطین.
- شیبانی، محمد بن حسن، ۱۴۱۳ ق، *نهج البیان عن کشف معانی القرآن*، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنّة*، قم، فرهنگ اسلامی، چ. ۲.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ. ۵.
- طباطبائی، سید محمدرضا، ۱۳۹۰، *صرف ساده با بازنگوی و اصلاحات*، قم، دار العلم.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو، چ. ۳.

- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران و قم، انتشارات دانشگاه تهران و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البيان فی تفسیر القرآن*، بيروت، دار المعرفة.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرين*، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- طنطاوی، سید محمد، بی تا، *التفسیر الوسيط للقرآن الكريم*، بی جا، بی نا.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بيروت، دار احیاء التراث العربي.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *كتاب العین*، قم، هجرت، چ ۲.
- فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، *المصباح المنیری غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم، دار الهجرة، چ ۲.
- قاسمی، محمد جمال الدین، ۱۴۱۸ ق، *محاسن التأویل*، بيروت، دار الكتب العلمية.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، تهران، دار الكتب الإسلامية، چ ۳.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت، چ ۳.
- کاشانی، فتح الله، ۱۳۳۶، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی علمی.
- کاشفی سبزواری، حسین بن علی، ۱۳۶۹، *موهبا* علیه، تهران، اقبال.
- کرمی حوزی، محمد، ۱۴۰۲ ق، *التفسیر لكتاب الله المنیر*، قم، چاپخانه علمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الكافی*، تهران، دار الكتب الإسلامية.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ ق، *بحار الأنوار الجامعه لدور اخبار الأئمه الاطهار*، بيروت، مؤسسه الوفاء.
- مدرسی، سید محمد تقی، ۱۴۱۹ ق، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین.
- مدنی، علی خان بن احمد، ۱۳۸۴، *الطراز الأول*، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- مراغی، احمد بن مصطفی، بی تا، *تفسیر المراغی*، بيروت، دار احیاء التراث العربي.
- مصطفوی، حسن، ۱۴۱۶ ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الكريم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مظہری، محمد ثناء الله، ۱۴۱۲ ق، *التفسیر المظہری*، پاکستان، مکتبہ رسیدیہ.
- معرفت، محمد هادی، ۱۳۸۶، *التمہید فی علوم القرآن*، قم، التمہید، چ ۳.
- مغنية، محمد جواد، ۱۴۲۴ ق، *تفسیر الكافش*، تهران، دار الكتب الإسلامية.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الكتب الإسلامية.
- مهنا، عبدالله علی، ۱۴۱۳ ق، *لسان اللسان*، بيروت، دار الكتب العلمية.
- موسی، حسین یوسف، ۱۴۱۰ ق، *الاصحاح فی فقه اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چ ۴.
- میبدی، رشید الدین احمد بن ابی سعد، ۱۳۷۱، *کشف الأسرار و عذة الأبرار*، تهران، امیر کبیر، چ ۵.